

ترافیک تهران ۴۳۵ همت پول می خواهد

صفحه ۱۶

عید غدیر خم را به محفل اهل بیت تبریک می گوئیم
شماره مسلسل ۴۴۲۳، پنجشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۲
۱۷ دیچه ۱۴۴۴، ۶ جولای ۲۰۲۲، شماره ۵ - ۳۹

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیومضمون:
روایت سال های جنگ



شاخ دیزنی در شرق شکست

«ایندیانا جونز» جدیدترین ساخته دیزنی در اکران چین شکست خورد
ایده صدور رویای آمریکایی با چالش روبه رو شده است؟

۱۳ و ۱۲



www.fdn.ir | Thu | 6 Jul 2023 | vo

کاش فرافکنی هم فیلتر بود

« چرا زارع پور مسئولیت فیلترینگ و سرعت اینترنت را نمی پذیرد؟
« چرا وزارت ارتباطات به جای مدیریت اختلاف زیر ساخت
و مخابرات آن را به رسانه ها می کشاند؟



صفحه ۸

پارادوکس ایجاد شده میان سیاستمداران و افکار عمومی آمریکا در خصوص جنگ

چطور می توان جلوی ایده امنیتی سازی همسایه شمالی را گرفت؟

روند قهر داوطلبان ادامه دارد؟

کی یف یتیم می شود؟

دیپلماسی و تعریف پروژه های مشترک با باکو

کنگوری ها ۲۴ درصد آب رفتند

«

«

«

« یادداشت

مهدی کتولو

پژوهشگر مطالعات جنسیت و جامعه

۲ تحول بزرگ انسانی در قرن گذشته ایران

قدرت روحی، قدرت ایمانی، نفوذ عاطفی، اقتدار معنوی توضیح داده می شود. به عبارتی در ناحیه مربوط به انگیزش ها، اراده ها و عمومی شدن نقاط آرزمانی زنان قدرتمندترند. رهبران انقلاب در بیان های متعددی نسبت این قابلیت ها و ویژگی های انقلاب را توضیح داده اند که باید مبنای تمام تعاملات بعدی قرار می گرفت؛ نخست اینکه اولین حرکت های عمومی و خیابانی به زنان به خصوص در مشهد و قم برمی گردد و این پیشگامی تحت تاثیر استعداد معنوی و ایمانی بیشتر در زنان است. ثانیاً اینکه حضور زنان در پیشانی حرکت، موجب تنظیم گری اراده ها و انگیزش ها شد. «مریبه انسان ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد و مع الاسف زن را به صورت یک لعبه در آورند این پدر و پسر؛ و خصوصاً این پسر. آنقدر جنایات که به زن کردند به مردان نکردند. زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم که زن در این نهضت چه کرد... ما نهضت خودمان را مرهون زن ها می دانیم. مردها به تبع زن ها در خیابان ها می ریختند. تشویق می کردند زن ها مردان را. خودشان در صف های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می تواند یک قدرت شیطانی را بشکند؟» بنا براین حدوث انقلاب اسلامی و آغاز این حرکت تاریخی جدید با قرارگیری زنان در جایگاه حقیقی - یعنی آنجا که قابلیت و نقش ویژه زن توسط خودش و مردان به رسمیت شناخته شود - نسبت به وثیقی دارد و چنانچه نیک بگیریم استمرار این حرکت منوط به شکوفایی و احیای هرچه بیشتر این معنا از زن است. زنی که به لحاظ انسانی مستقل و صاحب اراده است و به لحاظ جنسیتی قابلیت های زنانه را محور تمام برزوات خود قرار داده است. در یک جمع بندی غرض نگارنده بازاندیشی در اهمیت مقوله جنسیت و هویت زنان است. اگر زنان نقشی منحصربه فرد در نظام حرکت جامعه دارند، پس تمام مصادیق پیشرفت و حرکت متوقف به متعادل شدن رابطه زنان و مردان است، لذا از خواننده محترم این سیاهه می خواهم با این زاویه نگرش باری دیگری به بیانات امام (ره) و رهبر انقلاب مراجعه کند.

دو زن به اندازه مردان استقلال هویتی ندارند. در منطق شرقی زنان از میدان ها حذف و در منطق غربی زنان در میدان به بازی گرفته می شوند. در هر دو صورت انسان میدان ساز و تعیین کننده حرکت مرد است، بنابراین خلق تاریخ و سرنوشت جمعی در هر دو منطق شرقی و غربی با غلبه اراده ای مردان و پیشرانی آنان رقم می خورد، لذا از این منظر، تحول در جایگاه زن در خلال انقلاب اسلامی در لحظه به معنای تحول در نحوه حرکت تاریخی انسان است. ما با انقلاب اسلامی یک حرکت دوگانه بهره مند از زنانگی و مردانگی را آغاز کردیم.

تصویری که از زن در این فرآیند ظهور کرد و به رسمیت شناخته شد، تصویر زنی بود که به لحاظ انسانی با مرد برابر بود و به اندازه او استقلال داشت. در عین حال زنانگی و بودن او نحوه بروز قابلیت های انسانی او را معین می کرد و بر نحوه اثرگذاری او در میدان اثر می گذاشت. این نظم جنسیتی سوم، نظم جنسیتی متعادل بود که جامعه متعادل را اقتضا می کرد. به این معنا که حرکت تاریخی انسان باید میان مردان و مردان به نحوی متعادل پیگیری شود. تعادل میان زن و مرد به معنای این است که به واسطه شأن انسانی مشترک هر دو به یک اندازه باید در سرنوشت تاریخی اثرگذار باشند و به واسطه قابلیت های جوهره های جنسیتی، نحوه و جنس اثرگذاری و نقش آفرینی های آنان متفاوت است. در عین اینکه نقش های تاریخی متفاوتی دارند اما میزان نقش آفرینی آنان برابر است. جنسیت در این معنا به موجب ترجیح و ارزش گذاری می شود و نه مقوله ای جعلی و اغماض شدنی است، بلکه جنسیت نحوه شکوفایی استعداد های انسانی را به دو شیوه کامل کننده تفصیل می دهد.

برای تدقیق در نسبت میان تحول در مقوله جنسیت و تحول در جامعه ایرانی باید به کاری که زنان کردند بیشتر نزدیک شد. حرکت تاریخی انسان به طور کلی دایر مدار اراده ها و انگیزش ها است. انسان ها بر اساس نظام حب و بغض خود حرکت می کنند و ساخت های اجتماعی خود را رقم می زنند. در این زمینه اینکه اراده ها و نظام حب و بغض چطور باشد کاملاً بر کیفیت حرکت و افق ها اثر می گذارد. شکل گیری اراده اولاً موجب پیوستگی در جامعه و ثانیاً منجر به حرکت به سمت آن نقاط آرزمانی می شود. در هویتی که انقلاب اسلامی از زن ارائه می کند، زنانگی و مونث بودن نوعی قابلیت و قدرت است. این زنانگی اجمالاً با قدرت قلبی،

فهمید، و الا بودند بزرگان از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم که اصلاً زن ها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند آنها می گفتند زن ها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می داد، خاطر جمع می شد، تا بتواند در مقابل این جور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه می شد بایستد، حصار رای امام و فکر امام و عزم امام بود. به هر حال نقش زنان، یک نقش بی بدیل است. پس خود این نقش، اقتضا می کند، چون آینده دارد. تازه از عمر انقلاب، ۲۲ سال گذشته. ۲۲ سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ.

این نظام الهی باید صد سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی اش هستیم. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه در مجموعه حضور ملی. پس بایستی ما راجع به مساله زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه ما وجود دارد، تلاش کنیم. این دلیل اول است برای اینکه باید به مساله زن بپردازیم.»
تا اینجا از نسبت جنسیت و حرکت تاریخی انسان در تجربه انقلاب اسلامی بحث کردم. به عبارتی بسته به اینکه چه نظم جنسیتی بر نظام فاعلی حرکت یک جامعه حاکم است و ناظر به اینکه زنان و مردان چگونه در ساخت جامعه و تاریخ سهم دارند، حرکت های تاریخی متنوع می شود، بنابراین انواع سنخ های جوامع را می توان بر اساس انواع نظم های جنسیتی تشریح کرد. در سنخ جامعه شرقی و باستانی رابطه مردان و زنان سلسله مراتبی و عمودی است. به عبارتی این مردان هستند که به عنوان جنس برتر جامعه و تاریخ را رقم می زنند و زنان به مثابه طفیلی در خدمت به مردان هستند. وضعیت مسلط دیگر وضعیت زنان در منطق غربی است. منطق غربی که ریشه های معرفتی و فرهنگی اش به روم و یونان باستان راجع است در عصر جدید با جلوه های خاصی از هویت زن احیا گردید. در این منطق زن یا مجبور به بروز مردانه و انکار زنانگی می شود یا زنانگی او به تنانگی تقلیل می یابد. در وضعیت متاخر هم که با تپه شدن جنسیت از معنا در جریان موسوم به تراجنسیتی، زنانگی بیش از پیش با مانع روبه رو است. به هر روی اگر زن در منطق شرقی در حاشیه و بی نقش است اما در منطق غربی به دلیل خصلت بازاری اش اتفاقاً نیروی زن برای توسعه غربی به عنوان سوخت و به شکلی ابزاری مورد سوء استفاده قرار می گیرد. فصل مشترک منطق غربی و شرقی که هر دو در بر ساختن زن مطلوب خود سابقه دارند، تحقیر زن است و در هر

نیم را از موقعیت تعیین سرنوشت تاریخی انسان و خلق آن خارج دانست. اینجا لحظه شگفت انگیزی است که مقوله جنسیت و نظم جنسیتی حاکم بر حرکت تاریخی انسان با تحولی شگرف مواجه شد. موضع بازاندیشانه امام (ره) این بود که با کدام معنا از مقوله جنس و با کدام هندسه جنسیت این حرکت تاریخی و تحقق آرمان ها و افق ها میسر است؟ و کدام نحوه تعامل زنان و مردان طبیعی تر، فطری تر و منطقی تر است؟ لذا پیش و پیش از تحول در انقلاب اسلامی باید از تحول در رابطه زن و مرد صحبت کرد. به هر روی، تحول در هویت زن یک موضوع فرعی و قشری نبود که در حاشیه انقلاب اسلامی و از صدقه سر دگرگونی ها چیزی هم دستگیر زنان به عنوان یک اقلیت قشری بشود، بلکه اساساً تحول در جایگاه زن تحول در فاعل ارادی خلق سرنوشت ها بود. زمانی که نیروی زن وارد میدان سیاست بشود در سرنوشت آن تغییر ایجاد می کند. سهم سیاسی زن نیز از دو جنبه قابل بحث است: یک بار اینکه نیمی از جمعیت نیمه فعال به میدان فعالیت اضافه شده است و دیگر آنکه زنان به وساطت برخورداری بیشتر در آنچه در ادبیات رهبران انقلاب، به «قدرت روحی»، «نفوذ ارادی و عاطفی» و «استعداد معنوی» موسوم است، نقش خاص و منحصربه فردی در حرکت اجتماعی ایفا می کنند. زنان یک بار، به واسطه شأن انسانی در حرکت سهمیه هستند و یک بار به واسطه زن بودن اثرگذاری به خصوصی در این فرآیند دارد. من این دو جنبه را در ادامه متن مجدداً توضیح خواهم داد.

بنابراین موضوع زن یک موضوع فرعی نیست. بلکه اساساً همه حرکت انسان مسلمان وابسته به تنظیم درست جایگاه زنان و مردان و رابطه آنهاست. زمانی که از هویت زن و مقوله جنسیت صحبت می کنیم به یکی از هزاران مساله خود نمی پردازیم. بلکه این موضوع به خاطر تنظیم نظام فاعلی انقلاب اسلامی، مقدم و اولی بر همه موضوعات و مسائل ماست. از این منظر دو نتیجه معرفتی شایان ذکر است. نخست اینکه اساساً شکل گیری انقلاب اسلامی مدیون و معلول تغییر در جایگاه زن بوده است و تحول در تصویر زن یک اتفاق جانبی و فرعی نبوده است، دوم اینکه نه فقط حدوث و شکل گیری انقلاب اسلامی بلکه دوام و بقای آن به شکلی استمراری نیازمند حفظ این جایگاه در زنان است. رهبر انقلاب ضرورت پرداخت به موضوع هویت زن را اینچنین روایت می کنند: «امام در زمینه زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را

مقوله جنسیت جور دیگری محل تعامل قرار گرفت. با شکل گیری نهضت و آغاز رزمه های دگرگونی، جایگاه و نقش زن مناقشه برانگیز شد و رابطه عمودی و سلسله مراتبی میان مردان و زنان از بندهت خارج گردید. زنان در یک فرآیند آگاهی تاریخی، که شاید ریشه های آن به روزگار مشروطه و قبل تر بازگردد، در فرآیند نهضت انقلاب اسلامی موقعیتی جدید را تجربه کردند. حضور و دخالت مبارزاتی و چهره سیاسی زنان به واسطه آنکه آنها فاقد صلاحیت و استعداد کافی برای چنین دخالتی بودند، مسیوق به سابقه نبود و واکنش بسیاری از آقایان را برانگیخت. امتداد این مناقشه که آیا زنان سهمی در تعیین سرنوشت جمعی به شکلی مستقیم دارند یا اینکه اساساً مهم ترین کار آنان خدمت رسانی به شوهر در خانه است، به فقها و علما رسید. در بطن این مناقشه هویتی که پرسش به ناحیه کیستی زن منتقل شده بود، جریان یکه و منحصربه فردی که خلق سرنوشت انسانی را بدون زنان نامسکن و غیرمجاز می دانست شکل گرفت که جلودار آن امام (ره) بود. چهارچوب مفهومی و زمینه ذهنی امام (ره) برای ورود به این مناقشه دقیقاً این بود: «سرنوشت تاریخی و حرکت انسان و انسان در نگاه امام (ره) در بستر زوجیت به دو چهره و دو شیوه انسان بودن زنانه و مردانه تفصیل یبدا می کرده به این ترتیب چگونه می توان این

پی نوشت ها

۱- ۱۴/۱۰/۱۳۹۰

۲- صحیفه امام، ج ۷، ص: ۳۳۸، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، پیام رادیو تلویزیونی به ملت ایران درباره مقام و منزلت حقیقی زن



@radiomazmoon

رادیومضمون

کاری از گروه پادکست های همیشه در میان

وروزنامه فرهیختگان

